

## تأثیر آموزش مهارت‌های مقابله‌ای به روش بحث گروهی بر نگرش دانش‌آموزان نسبت به

### سوء مصرف مواد مخدر

دکتر عباس رحمتی - استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

دکتر احمد اعتمادی - دانشیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی تهران

چکیده :

در این مطالعه تأثیر یک نوع مداخله آموزشی بر تغییر و منعی‌سازی نگرش دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر، مورد بررسی قرار گرفت. مداخله آموزشی شامل ۸ جلسه آموزش مهارت‌های مقابله‌ای بود که به روش بحث گروهی بر روی یک نمونه از دانش‌آموزان پسر پایه اول متوسطه ( $n=559$ ) در ده منطقه آموزش و پرورش استان کرمان اجرا شد. سرای سنجش نگرش آزمودنی‌ها یک پرسشنامه نگرش‌سنج مورد استفاده قرار گرفت که توسط محقق ساخته شد و پایایی و اعتبار آن با استفاده از روش‌های باز آزمایی، آلفای کرونباخ و اعتبار سازه به روش تحلیل عاملی برآورد گردید. نتایج، نشان دهنده تأیید فرضیه‌های پژوهش بود. یعنی آموزش مهارت‌های مقابله‌ای به شیوه بحث گروهی، نگرش دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف را تغییر داد؛ بر منعی‌سازی نگرش دانش‌آموزان در گروه‌های آزمایش (ده کلاس در ده مدرسه،  $n=282$ ) و بر تغییر هر سه مؤلفه شناختی، عاطفی و رفتاری نگرش نسبت به سوء مصرف مواد مخدر نیز تأثیر معنا دار داشت.

**واژه‌های کلیدی:** نگرش نسبت به سوء مصرف مواد مخدر، آموزش مهارت‌های مقابله‌ای، تغییر نگرش.

در میان رفتارهای تهدیدکننده و مشکل‌آفرین در دوره نوجوانی رفتار سوء مصرف مواد مخدر یک تهدید بسیار جدی محسوب می‌شود. رفتار سوء مصرف مواد مخدر نظیر همه رفتارهای آدمی تحت تأثیر عوامل متعدد قرار دارد. در دهه‌های اخیر، تلاش‌های انجام یافته برای توصیف و تبیین این رفتار به شکل‌گیری دیدگاه‌های نظری متعددی منتهی شده است. در این میان نظریه یادگیری اجتماعی - شناختی (بندورا<sup>۱</sup>، ۱۹۸۶)، و نظریه رفتار مشکل (جر<sup>۲</sup>، دانووان<sup>۳</sup> و کاستا<sup>۴</sup>، ۱۹۹۱)، به دلیل تأکید هم زمان بر نقش عوامل درون فردی و بین فردی در تبیین رفتارهای مرتبط با مواد، جایگاه ویژه‌ای دارند.

بر اساس نظر بندورا، رفتار سوء مصرف مواد از یک سو به وسیله الگوبرداری، تقلید و تقویت در حوزه روابط بین فردی آموخته می‌شود و از سوی دیگر تحت تأثیر عوامل درون فردی همچون خودکارآمدی، شناخت‌ها و باورهای فردی قرار می‌گیرد. به عقیده وی رفتار سوء مصرف مواد از یک طرف به مصرف یا سوء مصرف مواد در میان الگوهای نقش خصوصاً والدین، دوستان و همسالان مربوط است، و از طرف دیگر به نگرش‌ها و باورهای مثبت و موافق الگوهای نقش در مورد مواد و نیز توانائی ادراک شده نوجوان برای مصرف یا امتناع از مصرف مواد بستگی دارد (بندورا، ۱۹۸۶).

از دیدگاه جسر و همکارانش (۱۹۹۱)، رفتار سوء مصرف مواد به عنوان رفتاری آموخته شده نتیجه تعامل بین عوامل فردی و بین فردی است. بنا به نظر وی، وقتی یک نوجوان با ویژگی‌هایی هم‌چون عزت نفس پائین، احساس طرد و جدایی، منبع کنترل بیرونی، باورها و نگرش‌های مثبت نسبت به مواد در تعامل با موقعیت‌ها و افرادی قرار دارد که ترغیب‌کننده یا تصدیق‌کننده مصرف مواد هستند، بیشتر در معرض سوء مصرف مواد قرار می‌گیرد.

1- Bandura  
3- Donovan

2- Jessor  
4- Casta

بدین ترتیب، رفتار سوء مصرف مواد به عنوان یک رفتار کنشی که نتیجه تعامل بین عوامل فردی و بین فردی است، تبیین و مفهوم‌سازی می‌شود. انجام بعضی مطالعات شواهدی را بر تأیید این رویکرد به رفتار سوء مصرف مواد فراهم نموده است. ویلز<sup>۱</sup> و همکارانش (به نقل از طارمیان، ۱۳۷۸)، در سلسله مطالعاتی نشان دادند که عوامل استرس زای فردی و اجتماعی می‌تواند نوجوان را مستعد مصرف مواد غیر مجاز نماید. هاوکینز<sup>۲</sup> و ویس<sup>۳</sup> (۱۹۸۵)، تأکید می‌کنند که علت گرایش نوجوانان به مصرف مواد مخدر ضعف مهارت‌های فردی و بین فردی برای ایجاد تعاملات موفق و مطلوب با اطرافیان و ناکامی در تحقق اهداف است. از نظر سیمون<sup>۴</sup>، کانگر<sup>۵</sup> و ویت بک<sup>۶</sup> (۱۹۸۸)، پاره‌ای از ویژگی‌های درون فردی از جمله اعتماد به نفس پائین، عدم جسارت‌ورزی، آشفتگی هیجانی، مهارت‌های ضعیف در مقابله موفق با مسائل، و هم چنین مهارت‌های ضعیف در تعاملات اجتماعی باعث حرکت تدریجی نوجوان به سمت مصرف مواد مخدر می‌شود.

بدین ترتیب تمرکز بر نقش عوامل فردی و اجتماعی در رفتار سوء مصرف مواد مخدر مبنای شکل‌گیری بعضی از برنامه‌های پیشگیری قرار گرفت که هدف اولیه این برنامه‌ها رشد شخصی و اجتماعی نوجوانان بود. فرض اساسی این برنامه آن بود که نقص در رشد و شکوفایی ویژگی‌ها و قابلیت‌های فردی و اجتماعی، نوجوان را در برخورداری از یک تعامل موفق و مطلوب باز می‌دارد و مانع تحقق اهداف و تأمین نیازهای او به روال طبیعی و منطقی می‌شود. ناکامی در این زمینه در مواردی می‌تواند منجر به جلب گرایش و رشد نگرش مساعد نوجوان به عواملی همچون مصرف مواد مخدر شود که بنا به ارزشیابی شخصی وی می‌توانند وی را در جبران ناکامی‌هایش یاری رسانند. چنان که شدلر<sup>۷</sup> و بلاک<sup>۸</sup> (۱۹۹۰)، نیز معتقدند در موارد بسیاری مواد

1- Wills  
3- Weiss  
5- Conger  
7- Shedler

2- Hawkins  
4- Simons  
6- Whitbeck  
8- Block

مخدر برای نوجوان نقش ابزاری دارد. یعنی نوجوان با مصرف این مواد می‌خواهد اضطراب خود را کاهش دهد، اعتماد به نفس خود را بالا ببرد، موقعیت‌های اجتماعی خود را خونسردتر و آرام تر جلوه دهد. کاتز<sup>۱</sup> (به نقل از کریمی، ۱۳۷۹)، نیز بیان می‌کند یک فرد نسبت به اشیائی نگرش مثبت پیدا می‌کند که در بر آوردن نیازهای او و یا در جلوگیری از رویدادهای منفی برای وی مؤثر باشد. از این‌رو، بعید نیست نوجوانی که در معرض موقعیت‌های اجتماعی دشوار قرار می‌گیرد نسبت به مواد مخدر به منزله راهی برای مقابله با مشکلات و احساسات منفی گرایش مثبت پیدا نماید.

بر این مبنا، چنین فرض می‌شود که طرح روش‌ها و برنامه‌هایی برای رشد ویژگی‌های فردی و اجتماعی می‌تواند به نوجوان کمک کند تا نقص‌هایی که خطر گرایش او را به مصرف مواد افزایش می‌دهد، مرتفع نماید. به عبارت دیگر، پرورش ویژگی‌هایی همچون عزت نفس بالا، خود آگاهی، تصمیم‌گیری مسئولانه، توان برقراری و حفظ روابط سالم، ابراز وجود و مهارت‌هایی از این قبیل می‌تواند مهارت و آمادگی نوجوان را در مقابله مؤثرتر با عوامل و موقعیت‌های خطر ارتقاء دهد. به این لحاظ، برنامه‌هایی تحت عنوان آموزش مهارت‌های مقابله‌ای یا مهارت‌های زندگی با تأکید بر رشد مهارت‌های فردی و اجتماعی پا به عرصه وجود گذاشت که توانست نقش به‌سزایی در تحکیم و تقویت مداخلات پیشگیرانه در برابر سوء مصرف مواد ایفاء نماید (کاپلان<sup>۲</sup> و همکاران، به نقل از طارمیان، ۱۳۷۸).

بخشی از تأثیر برنامه‌های آموزش مهارت‌های مقابله‌ای در پیشگیری از سوء مصرف مواد به واسطه تأثیر این برنامه‌ها بر باورها و نگرش‌های مربوط به مواد بوده است (باتوین<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳؛ کوچیس<sup>۴</sup>، ۱۹۹۵؛ طارمیان، ۱۳۷۸؛ باقری، ۱۳۸۱). نگرش‌های ویژه مواد به عنوان پیش‌نیاز رفتار سوء مصرف تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، داشتن نگرش مثبت یا منفی نسبت به مواد نقش مهمی در زمان شروع مصرف مواد ایفا می‌کند؛ بر

1- Katz  
3- Botvin

2- Kaplan  
4- Kochis

همین اساس هاوکینز و همکارانش (۱۹۹۲) بر این نکته تأکید دارند که شروع مصرف هر نوع ماده متعاقب باورها و احساسات مثبت در رابطه با مصرف آن ماده روی می‌دهد. آجزن<sup>۱</sup> و فیش بین<sup>۲</sup> (۱۹۸۰)، تصمیم نوجوان برای مصرف مواد را تحت تأثیر نگرش وی در مورد مصرف مواد عنوان نموده‌اند. اوتینگ<sup>۳</sup> و بیووایس<sup>۴</sup> (۱۹۸۷)، نیز از نگرش‌ها و باورهای نوجوان در مورد رفتارهای انحرافی و بالاخص مصرف مواد به عنوان متغیر مهمی در سوء مصرف مواد یاد کرده‌اند.

بر این اساس، در دهه‌های اخیر جهت‌گیری یک دسته از مطالعات در زمینه بررسی تأثیر مداخلات آموزشی از نوع آموزش مهارت‌های زندگی یا مهارت‌های مقابله‌ای بر تغییر باورها و نگرش نوجوانان نسبت به سوء مصرف مواد بوده است. در پژوهش یونسی (۱۳۸۰)، برنامه آموزش پیشگیری توانست منفی‌سازی نگرش را در نمونه‌ای از دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستان‌های مناطق ۲۰ گانه شهر تهران به دنبال داشته باشد. باقری (۱۳۸۱)، در پژوهش خود نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر تهران بر تغییر نگرش آنها نسبت به مواد مخدر تأثیر معنادار داشت. در مطالعه‌ای دیگر (طارمیان، ۱۳۸۰)، اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر تغییر و منفی‌سازی نگرش دانش‌آموزان دوره راهنمایی ۷ منطقه از شهرستان‌های استان تهران به اثبات رسید. قادری دهکردی (۱۳۷۹)، نیز تأثیر یک برنامه آموزش پیشگیری را بر روی نگرش نمونه‌ای از دانش‌آموزان دختر مقطع راهنمایی شهر کرد مورد بررسی قرار داد. مطالعه وی نشان داد که برنامه آموزشی توانسته است در تغییر نگرش آزمودنی‌ها نسبت به مواد مخدر اثر معناداری داشته باشد. علاوه بر این، مطالعات قربانی (۱۳۸۰)، و اخلاقی بوزانی (۱۳۷۵)، نشان داد که تأثیر برنامه‌های آموزشی و مشاوره گروهی بر تغییر نگرش معتادان به مواد مخدر و در نتیجه کاهش گرایش آنان به مصرف مواد معنادار بوده است.

1- Ajzen  
3- Oetting

2- Fishbein  
4- Beauvais

در سلسله مطالعات باتوین<sup>۱</sup> و همکارانش (۲۰۰۳، ۲۰۰۱، ۱۹۹۴، ۱۹۹۲، ۱۹۹۰، ۱۹۸۳)، نیز تأثیر برنامه‌های آموزشی با محتوای مهارت‌های زندگی یا مقابله‌ای بر نگرش دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر به عنوان یک متغیر میانجی‌گر در کنار مصرف واقعی مواد بررسی شده است. نتایج این بررسی‌ها نشان داده است که اولاً نگرش‌های مرتبط با مواد تحت تأثیر برنامه‌های آموزشی تغییر کرده است؛ و ثانیاً این تغییر با تغییرات ایجاد شده در مصرف واقعی مواد رابطه مثبت داشته است.

در پژوهش حاضر نیز به هدف تدوین و آزمون یک مداخله آموزشی مدرسه - محور برای پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر، تأثیر آموزش مهارت‌های مقابله‌ای به روش بحث گروهی بر نگرش دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر مورد آزمایش قرار گرفت. اهداف پژوهش بر محور تعیین میزان تأثیر آموزش مهارت‌های مقابله‌ای به روش بحث گروهی بر تغییر و تقویت نگرش منفی دانش‌آموزان نسبت به مواد مخدر، و بر تغییر باورهای نادرست (مؤلفه شناختی)، حالت احساسی (مؤلفه عاطفی) و آمادگی عمل (مؤلفه رفتاری) دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر متمرکز بود.

## روش

### طرح آزمایش

در این پژوهش از طرح «پیش‌آزمون - پس‌آزمون با یک گروه کنترل» استفاده شد.

جدول ۱: دیاگرام طرح آزمایش

گروه E	R	T1	X	T2
گروه C	R	T1	-	T2

### جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پسر پایه اول مقطع متوسطه

1- Botvin

استان کرمان بود. حجم نمونه شامل ۵۵۹ نفر از جامعه مورد نظر بود که بر مبنای نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله و به ترتیب متعاقب انتخاب و به گروه آزمایش (ده کلاس،  $n=282$ ) و کنترل (ده کلاس،  $n=277$ ) تقسیم شد. نخست با مراجعه به واحدهای «طرح و برنامه» و «هسته مشاوره» سازمان آموزش و پرورش فهرست مناطق و شهرستان‌های تحت پوشش این سازمان دریافت شد. ۱۹ منطقه و شهرستان از مجموع ۳۲ منطقه و شهرستان استان براساس چند ویژگی مجزا شدند. مناطق یا شهرستان‌های تعیین شده می‌بایست در مدارس متوسطه پسرانه دارای حداقل سه کلاس در پایه اول متوسطه باشند و در سال تحصیلی جاری درس «برنامه‌ریزی تحصیلی و شغلی» در هر سه کلاس و توسط مشاور مدرسه با مدرک حداقل کارشناسی در رشته مشاوره یا روانشناسی در حال تدریس باشد. بر این اساس، فقط ۱۰ منطقه و شهرستان حائز شرایط بود. در گام بعد از بین مدارس متوسطه هر یک از این ۱۰ منطقه و شهرستان به روش قرعه‌کشی یک مدرسه به عنوان محل آزمایش انتخاب گردید. سپس در هر مدرسه و حداقل در سه کلاس پیش‌آزمون اجرا شد. در مرحله آخر، بر اساس میانگین نمرات پیش‌آزمون دو کلاس از بین حداقل سه کلاس که اختلاف میانگین آنها کمتر بود، انتخاب شد و به‌طور تصادفی به گروه کنترل و آزمایش تخصیص یافت.

#### ابزارهای اندازه‌گیری

برای سنجش نگرش دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر از یک پرسشنامه نگرش سنج محقق ساخته شامل ۳۴ سؤال استفاده شد. برای ساخت این پرسشنامه نخست منابع مربوط به موضوع تحقیق و پرسشنامه‌های موجود در زمینه سنجش نگرش نسبت به اعتیاد و مواد مخدر بررسی شد و تعداد زیادی جملات که شان‌دهنده درجات مختلف موافقت و مخالفت با مواد مخدر و مصرف آن بود استخراج گردید. سپس بر اساس مشابهت موضوعی جملات به شکل سوالات سه‌گزینه تنظیم

شد. برای هر یک از سه گزینه که در بر دارنده اظهاریه یا حکم مجزایی نسبت به مواد مخدر و مصرف آن بود نمراتی معادل صفر (نگرش منفی)، یک (نگرش متوسط) و دو (نگرش مثبت) به عنوان ارزش میزانی آنها اختصاص یافت. پس از آن مجموعه سوالات تدوین و در اختیار چهار گروه از دانش‌آموزان سال اول دبیرستان قرار گرفت. از این دانش‌آموزان خواسته شد تا جملات را با توجه به مفهوم و منظور هر جمله به زبان و انشایی که برای آنها و هم سالانشان قابل فهم‌تر است بازنویسی نمایند.

در مرحله بعد سوالات بازآرایی و به دو نفر از متخصصان حوزه روانشناسی و روان‌سنجی عرضه شد. ایشان هر یک از سوالات را از لحاظ اعتبار صوری مورد داوری قرار دادند. در این مرحله سوالاتی که مورد توافق هیچ یک از دو داور نبود، حذف گردید. بعد از این مرحله، پرسشنامه‌ای شامل ۵۰ سوال تدوین شد. ضریب پایانی این پرسشنامه با استفاده از روش همبستگی درونی (الفای کرونباخ) قبل از اصلاح ۰/۷۳ و بعد از حذف سوالات ضعیف ۰/۸۰ به دست آمد. ضریب پایایی با استفاده از روش باز آزمایی با فاصله یک هفته نیز برابر با ۰/۸۰ برآورد گردید.

برای تشخیص سوالات ضعیف از دو روش همبستگی هر سوال با بقیه سوالات مقیاس و بررسی میزان اشباع عاملی هر سوال از مقیاس مورد نظر استفاده شد. به این ترتیب، ۱۶ سوال که دارای ضرایب تشخیص ضعیف بود از مجموع سوال‌ها حذف شد و پرسشنامه‌ای شامل ۳۴ سوال تهیه شد. علاوه بر این، نتایج حاصل از تحلیل عاملی پرسشنامه نگرش نسبت به سوء مصرف مواد مخدر نشان داد که پرسشنامه از چهار مقیاس «نگرش کلی»، «باورها»، «هیجان‌ها» و «آمادگی» عمل نسبت به سوء مصرف مواد تشکیل شده است.



## روش اجرا

پس از ساخت و سنجش پایایی و اعتبار پرسشنامه نگرش سنج و تعیین مدارس محل آزمایش در ده منطقه و شهرستان از مناطق آموزش و پرورش، ضمن تماس تلفنی یا حضوری با مشاوران مدارس انتخاب شده و توجیه هدف پروژه تحقیقاتی، از آنان دعوت به عمل آمد تا در «کارگاه آموزشی - توجیهی آموزش مهارت‌های مقابله‌ای به روش بحث گروهی» شرکت نمایند. در این کارگاه ۸ جلسه آموزش مهارت‌های مقابله‌ای به شکل نظری و عملی آموزش داده شد. در جریان آموزش و با ایجاد شرایط کلاس درس، مشاوران شرکت‌کننده در کارگاه به ۵ گروه دو نفره تقسیم شدند و محقق در نقش مشاور مدرسه چگونگی رهبری و اداره جلسات آموزش، شیوه استفاده از فرم‌های طراحی شده و نیز سبک اجرای آزمون را مدل‌سازی نمود. در فاصله یک هفته بعد از جلسه آموزشی - توجیهی پیش آزمون اجرا گردید. بعد از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها میانگین نمرات کلاس‌ها محاسبه شد. بر اساس میانگین نمرات در بیش از ۵۰٪ کلاس از بین حداقل سه کلاس که میانگین آنها دارای تفاضل نمره کمتری بود، انتخاب شدند و به طور تصادفی به دو گروه کنترل و آزمایش تخصیص یافتند. ۸ جلسه مداخله آموزشی به مدت دو ماه و در طی هشت جلسه هفتگی بر روی ده کلاس از ده مدرسه اجرا شد. بلافاصله پس از پایان مداخله آموزشی، پس از آزمون بر روی گروه‌های آزمایش و کنترل به عمل آمد. اطلاعات حاصل از اجرای پس آزمون به جمع‌آوری اطلاعات پیش آزمون اضافه گردید و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

## محتوای برنامه مداخله آموزشی

محتوای ۸ جلسه برنامه آموزش مهارت‌های مقابله‌ای با الهام از برنامه آموزش مهارت‌های زندگی و بر محور موضوعاتی همانند باورهای مرتبط با مواد مخدر و مصرف آن، تصمیم‌گیری در موقعیت اصرار به مصرف، تأثیر رسانه‌ها و تبلیغات در متقاعدسازی

نوجوانان به مصرف مواد، رویارویی با فشار همسالان، مقابله با اضطراب، مهارت‌های برقراری ارتباط، ابراز وجود و مقابله با شکست و ناکامی طراحی و تدوین گردید. منطق مبنایی تدوین این جلسات آن بود که نگرش دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر را به دو صورت تحت تاثیر قرار دهد. اولاً بر مبنای تقویت مهارت‌های فردی و بین فردی روند تحقق اهداف، تأمین نیازها و رویارویی با مشکلات را به روال طبیعی و منطقی از دیدگاه نوجوان امکان‌پذیرتر نماید و در نتیجه گرایش مساعد و نگرش مثبت نوجوانان را به روش‌های انحرافی از قبیل سوء مصرف مواد مخدر متزلزل سازد، و ثانیاً دانش‌آموزان را در شرایط تعاملی بحث گروهی در مواجهه و چالش با نگرش‌های متفاوت و ناهم‌ساز با دیگر همسالان قرار دهد و بدین ترتیب فرایند تجدید نظر در نگرش‌ها و همانندسازی با نگرش‌های غالب در گروه را تسهیل نماید. محتوا و روش اداره هر یک از جلسات با موضوع، هدف، منطق نظری و طرح عملیاتی مدون و با استفاده از فرم‌های مشخص و مراحل زمان‌بندی شده به گونه‌ای تنظیم شد تا ضمن ایجاد شرایط اجرای یکسان و هماهنگ، احتمال تاثیر تفاوت‌های ناشی از ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای مشاوران و سایر عوامل مربوط به زمان و مکان اجرای آزمایش را به حداقل برساند.

#### یافته‌ها

نمره بالا در پرسشنامه نگرش نسبت به سوء مصرف مواد به معنی نگرش مثبت و گرایش به سوء مصرف مواد بوده است. اطلاعات جدول ذیل نشان می‌دهد که میانگین نمرات پس از آزمون در گروه آزمایش (بعد از مداخله آموزشی) کاهش یافته است.

جدول ۲: میانگین و انحراف استاندارد نمرات پرسشنامه نگرش نسبت به سوء مصرف مواد مخدر

کنترل		آزمایش		گروه‌ها	خرده مقیاس‌ها
S	X	S	X		
۲/۳۵	۴/۱۱	۲/۸۴	۴/۴۱	پیش آزمون	نگرش کلی
۲/۵۴	۴/۶۳	۲/۵۲	۳/۶۱	پس آزمون	
۲/۱۰	۳/۹۱	۲/۲۹	۳/۹۲	پیش آزمون	مؤلفه شناختی
۲/۱۸	۹۰/۸۳	۱/۹۴	۳/۰۵	پس آزمون	
۲/۹۰	۵/۹۹	۳/۱۹	۶/۲۵	پیش آزمون	مؤلفه عاطفی
۳/۰۲	۵/۹۸	۲/۹۱	۴/۴۹	پس آزمون	
۳/۵	۸/۳۷	۳/۸	۸/۱۸	پیش آزمون	مؤلفه رفتاری
۳/۷۴	۸/۰۹	۳/۷۷	۶/۹۳	پس آزمون	
۶/۸۸	۲۲/۴۱	۸/۴۱	۲۲/۷۶	پیش آزمون	نمره کلی پرسشنامه
۷/۲۸	۲۲/۶۱	۷/۷۱	۱۸/۰	پس آزمون	

قبل از انجام آزمون‌های آماری و بیان تأیید یا عدم تأیید فرضیه‌های پژوهش، در جدول ۲ میانگین و انحراف استاندارد نمرات پیش آزمون و پس آزمون بعد از کنترل پیش آزمون گروه آزمایش و کنترل در نمره کلی پرسشنامه نگرش نسبت به سوء مصرف مواد و خرده مقیاس‌های آن مقایسه شده است. کنترل پیش آزمون گروه‌های آزمایش و کنترل با استفاده از آزمون همگنی واریانس‌ها (لوین) و آزمون همگنی شیب‌ها انجام شده است. در تفسیر نتایج این دو آزمون باید توجه داشت که آزمون لوین وقتی معنادار نیست، به این معنی است که واریانس پیش آزمون در گروه‌های آزمایش و کنترل تفاوت معنادار نداشته است، و آزمون شیب‌ها وقتی معنادار نیست، به این معنی است که تعامل بین گروه‌ها و پیش آزمون معنادار نیست؛ بر این اساس، با توجه به سطح معناداری انتخاب شده در انجام این آزمون‌ها ( $p \leq 0.05$ )، می‌توان با درجه اطمینان ۹۵ درصد ادعا کرد که تفاوت مشاهده شده بین واریانس پیش آزمون و پس آزمون بعد از مداخله آموزشی بیش از آن که مربوط به تفاوت واریانس گروه‌های آزمایش و کنترل در پیش آزمون باشد، ناشی از کاربردی آزمایشی است.

◀ تأثیر آموزش مهارت‌های مقابله‌ای به روش بحث گروهی بر نگرش...

◀ دکتر عباس رحمتی - دکتر احمد اعتمادی

جدول ۳: مقایسه میانگین و انحراف استاندارد نمرات پیش آزمون و پس آزمون بعد از کنترل پیش آزمون گروه آزمایش و کنترل در نمره کلی و مؤلفه های شناختی، عاطفی و رفتاری نگرش نسبت به سوء مصرف مواد

خرده مقیاس گروه‌ها	پیش آزمون		پس آزمون		پس آزمون بعد از کنترل پیش آزمون	
	S	X	S	X	S	X
نگرش کلی	۸/۴۱	۲۲/۷۶	۷/۷۱	۱۸/۱۰	۰/۴۴۷	۰/۸۷۹
مؤلفه شناختی	۲/۲۹	۳/۹۲	۱/۹۴	۳/۰۵	۰/۱۲۳	۰/۲۴۲
مؤلفه عاطفی	۲/۱۸	۳/۹۱	۳/۷۱	۲/۱۸	۰/۱۲۴	۰/۲۴۵
مؤلفه رفتاری	۴/۴۹	۶/۲۵	۲/۹۱	۴/۴۹	۰/۱۷۶	۰/۳۴۷
	۵/۹۸	۵/۹۹	۳/۰۲	۵/۹۸	۰/۱۷۸	۰/۳۵
	۳/۱۸	۸/۱۸	۳/۷۷	۶/۹۳	۰/۲۲	۰/۴۴
	۳/۵	۸/۳۷	۳/۷۴	۸/۰۹	۰/۲۳	۰/۴۴۴

جدول ۴: آزمون تحلیل کوواریانس مقایسه میانگین نمرات پس آزمون گروه آزمایش و کنترل در نمره کلی پرسشنامه نگرش نسبت به سوء مصرف مواد

مغزور انا	همگنی واریانس			همگنی شیب‌ها		
	لوین سطح معناداری	F سطح معناداری	کوواریانس S	F سطح معناداری	F سطح معناداری	مغزور انا
تغییر و منفی سازی نگرش	۲/۹۵	۰/۰۸۶	۵۰/۳۲	۰/۴۶	۰/۵۴۸	۰/۰۸۳
تغییر باورها	۳/۵۱۱	۰/۰۶۱	۲۳/۷۹	۰/۶۶	۰/۱۸۹	۰/۰۴۱
تغییر حالت احساسی	۱/۸۴	۰/۱۷۵	۳۶/۴۰	۰/۵۰۱	۰/۴۵۴	۰/۰۶۱
تغییر در آمادگی عمل	۰/۲۷۰	۰/۶۰۵	۱۲/۸۸	۰/۹۲	۰/۰۰۹	۰/۰۲۳

چنان که جدول ۴ نشان می‌دهد، آزمون لوین برای نمره کلی نگرش در سطح ( $P \leq 0/05$ ) معنادار نبود، بنا بر این پیش فرض همگنی واریانس‌ها تأیید نشد. آزمون همگنی شیب‌ها نیز نشان داد که F مشاهده شده در سطح ( $P \leq 0/05$ ) معنادار نیست، بنا بر این پیش فرض همگنی شیب‌ها نیز تأیید نگردید. معناداری F کواریانس در سطح ( $P \leq 0/000$ ) نشان داد که بین میانگین گروه آزمایش و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد. نتیجه مؤید آن است که نگرش نسبت به سوء مصرف مواد

با آموزش مهارت‌های مقابله‌ای تغییر کرده است. ضمن این که تغییر یا تأثیر ایجاد شده در جهت تقویت نگرش منفی بوده است.

**جدول ۵: خلاصه اطلاعات آزمون t برای بررسی تفاوت بین میانگین تفاضل نمرات پیش آزمون و پس آزمون نمره کلی نگرش نسبت به سوء مصرف مواد در دو گروه آزمایش و کنترل**

گروه	N	X	S	Sm	F	سطح معناداری	آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری
آزمایی	۲۸۲	۴/۶۶	۱۱/۴	۰/۱۶۷	۳/۲۸	۰/۰۰۰	۵/۳	۵۵۷	۰/۰۰۰
کنترل	۲۷۷	-۰/۲۰	۱۰/۳	۰/۱۶۲					

برای بررسی تأثیر مداخله آموزشی در تغییر و منفی‌سازی نگرش، علاوه بر تحلیل کوواریانس از آزمون t نیز برای بررسی تفاوت بین میانگین تفاضل نمرات پیش آزمون و پس آزمون ( $X_1 - X_2$ ) نمره کلی پرسشنامه نگرش به سوء مصرف مواد استفاده شد. چنان که جدول ۴ نشان می‌دهد، مقدار t محاسبه شده در سطح ( $P \leq 0/000$ ) معنادار است. بدین معنی که آموزش مهارت‌های مقابله‌ای به روش بحث گروهی باعث تغییر نگرش و تقویت نگرش منفی دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر شده است.

براساس نتایج جدول ۳، آزمون لوین برای سه مؤلفه شناختی، عاطفی و رفتاری در سطح ( $P \leq 0/05$ ) معنادار نبود، بنابراین پیش فرض همگنی واریانس‌ها تأیید نگردید. آزمون همگنی شیب‌ها نیز نشان داد که F مشاهده شده در سطح ( $P \leq 0/05$ ) معنادار نبود، بنابراین پیش فرض همگنی شیب‌ها نیز تأیید نشد. معناداری F کوواریانس در سطح ( $P \leq 0/000$ ) نشان داد که بین میانگین نمرات گروه آزمایش و کنترل، تفاوت معناداری وجود دارد. بدین ترتیب، یافته‌ها مؤید آن بود که آموزش مهارت‌های مقابله‌ای به روش بحث گروهی موجب تغییر باورهای نادرست دانش‌آموزان نسبت به مواد مخدر، تغییر حالت هیجانی و احساسی دانش‌آموزان نسبت به مواد مخدر، و تغییر در آمادگی عمل آنان در قبال مواد مخدر و مصرف آن شده است.

برای اطمینان از صحت یافته‌های به دست آمده درباره تاثیر مداخله آموزشی بر مؤلفه‌های سه‌گانه نگرش هم‌چنین از تحلیل واریانس چند متغیره یک طرفه تفاوت نمرات پیش آزمون - پس آزمون استفاده شد. مقادیر  $F$  به دست آمده در نمره خرده مقیاس‌های نگرش کلی ( $F=18/09$ )، شناخت ( $F=12/03$ )، احساس ( $F=26/02$ ) و آمادگی عمل ( $F=4/93$ ) در سطح ( $P \leq 0/001$ ) معنادار بود. به عبارت دیگر تفاوت نمرات پیش آزمون ( $X_1$ ) و پس آزمون ( $X_2$ ) در بین دو گروه آزمایش و کنترل معنادار و میانگین تفاوت نمرات ( $X_1-X_2$ ) در گروه آزمایش بالاتر از گروه کنترل بود.

### بحث و نتیجه‌گیری

مشاهده میانگین نمرات پس آزمون در گروه آزمایش در مقایسه با پیش آزمون همین گروه نشان داد که میانگین نمره کلی نگرش نسبت به سوء مصرف مواد بعد از مداخله آموزشی کاهش یافته است. علاوه بر آن، معناداری آزمون  $F$  و  $t$  در مورد نگرش کلی به این معنی است که آموزش مهارت‌های مقابله‌ای به روش بحث گروهی اولاً بر نگرش دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر تأثیر داشته است، و باعث تغییر نگرش آنها شده است؛ و ثانیاً نگرش آنان را نسبت به سوء مصرف مواد مخدر منفی‌تر ساخته است.

مقایسه یافته‌های پژوهش با یافته‌های نظری و تجربی از جهت تأثیر مداخله آموزشی بر نگرش‌های ویژه مواد و ایجاد تغییر در آنها با بعضی یافته‌های گزارش شده هم‌سویی دارد. به گونه‌ای که اجرای مجموعه آموزشی مهارت‌های زندگی (باقری، ۱۳۸۱)، حاکی از تأثیر آن بر تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به مواد مخدر بوده است؛ گزارش طارمیان (۱۳۸۰)، حاکی از اثبات یکی از فرضیه‌های اصلی پژوهش وی مبنی بر تأثیر برنامه آموزش مهارت‌های زندگی بر تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به مواد مخدر بوده است؛ در پژوهش قادری دهکردی (۱۳۷۹)، آزمودنی‌ها در گروه آزمایش بعد از دریافت برنامه آموزش پیشگیری تغییر معنادارتری در نگرش و آگاهی خود در مقایسه

با گروه کنترل نشان دادند؛ اجرای روش آموزش و مشاوره گروهی توسط اخلاقی بوزان (۱۳۷۰)، در مقایسه با روش آموزش به شیوه سخنرانی توانسته بود تغییرات معناداری در نگرش معنادان نسبت به مواد مخدر ایجاد نماید؛ یافته‌های گزارش شده توسط باتوین و همکارانش (۲۰۰۱، ۱۹۹۴، ۱۹۹۳، ۱۹۹۰)، نیز نشان داد که اجرای برنامه‌های آموزش مهارت‌های زندگی و برنامه‌های ارتقاء بخشی به صلاحیت و مقاومت اجتماعی توانسته است بر نگرش‌های مرتبط با سوء مصرف مواد به عنوان یکی از متغیرهای میانجی‌گر مهم در رفتار سوء مصرف مواد اثرات معناداری بر جای گذارد؛ ضمن این که باتوین و همکاران (۱۹۸۳)، نشان دادند که تغییرات ایجاد شده در میزان مصرف مواد مخدر در آزمودنی‌ها با تغییرات ایجاد شده در نگرش آنها نسبت به مواد مخدر همبستگی مثبت داشته است.

از جهت تأثیر برنامه‌های مداخله آموزشی بر منفی‌سازی نگرش‌های مرتبط با سوء مصرف مواد مخدر نیز یافته‌های بعضی پژوهش‌ها هم سو با یافته‌های پژوهش حاضر است. پژوهش طارمیان (۱۳۸۰)، نشان داد که تأثیر آموزش مهارت‌های مقابله‌ای بر تغییر نگرش در جهت منفی‌سازی نگرش دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف مواد بوده است؛ مطالعه یونسی (۱۳۸۰)، نیز حاکی است که برنامه آموزش پیشگیری توانسته است منفی‌سازی نگرش دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر را در سه جنبه شناختی، عاطفی و رفتاری به دنبال داشته باشد.

هم‌چنین یافته‌های پژوهش، حاکی از تأثیر مداخله آموزشی بر مؤلفه‌های سه‌گانه نگرش بود. یعنی آموزش مهارت‌های مقابله‌ای به روش بحث گروهی توانست در باورهای نادرست دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر، در حالت هیجانی و احساسی دانش‌آموزان نسبت به مواد مخدر، و بالاخره در آمادگی عمل دانش‌آموزان برای سوء مصرف مواد مخدر تغییر ایجاد کند.

مقایسه اطلاعات حاصل از تحلیل داده‌های مربوط به مؤلفه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری نگرش نسبت به سوء مصرف مواد مخدر نشان داد که بالاترین  $F$  مشاهده شده و بالاترین ضریب تبیین مربوط به مؤلفه عاطفی و هیجانی است؛ این یافته به این معناست که آموزش مهارت‌های مقابله‌ای به روش بحث گروهی بیشترین تغییر را در زمینه حالت هیجانی و احساسی دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر ایجاد کرده است.

بدین ترتیب، پاسخ یافته‌ها به سوالات اساسی پژوهش مثبت بود؛ یعنی آموزش مهارت‌های مقابله‌ای به روش بحث گروهی هم بر نگرش دانش‌آموزان نسبت به مواد مخدر مؤثر بوده است؛ هم موجب تقویت نگرش منفی دانش‌آموزان نسبت به مواد مخدر و مصرف آن شده است؛ و هم توانسته است اجزای شناختی، عاطفی و رفتاری نگرش دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر را متأثر سازد؛ ضمن این که تأثیر مداخله آموزشی بر مؤلفه عاطفی نسبت به دو مؤلفه دیگر بیشتر بوده است.

در مجموع نتایج کلی پژوهش تأیید دیگری است بر یافته‌های آن دسته از پژوهش‌هایی که اثر بخشی مداخلات آموزشی از نوع آموزش مهارت‌های مقابله‌ای را به عنوان متغیر مستقل بر پیشگیری از سوء مصرف مواد و متغیرهای مرتبط با آن اثبات نموده‌اند. به طوری که علاوه بر شواهد یاد شده، ایزن<sup>۱</sup> و همکارانش (۱۹۹۹)، در پژوهشی نشان دادند که در مجموع آموزش مهارت‌های مقابله‌ای به دانش‌آموزان بهتر از مراقبت‌های معمول در منصرف کردن و به تأخیر انداختن مصرف مواد مخدر در مدارس متوسطه است. باتوین و همکارانش (۲۰۰۳)، در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت‌های صلاحیت فردی و اجتماعی عمومی به دانش‌آموزان می‌تواند بر نگرش ضد مواد و رفتار سوء مصرف اثرات معنادار بر جای گذارد. منشائی و همکارانش (۱۳۸۱)، نیز در مطالعه خود دریافتند که آموزش مهارت‌های مقابله‌ای بر پیشگیری از احتمال گرایش جوانان و نوجوانان به سوء مصرف مواد نقش اساسی دارد.



هم‌چنین نتایج پژوهش حاضر، بطور ضمنی با بعضی از دیدگاه‌ها و اصول نظری حاکم بر شکل‌گیری و تغییر نگرش‌ها هم‌سویی دارد. اگر بپذیریم که این پژوهش توانسته است نگرش عده‌ای از دانش‌آموزان را نسبت به سوءمصرف مواد مخدر در موقعیت طبیعی کلاس درس و تحت گونه‌ای از یادگیری مشارکتی تغییر دهد، با نظر هاولند<sup>۱</sup> (به نقل از کریمی، ۱۳۷۹)، از این نظر هم‌سو شده است که وی معتقد است همان‌گونه که شکل‌گیری نگرش تابع اصول یادگیری است، تغییر آن نیز از اصول قواعد یادگیری تبعیت می‌کند. اگر قبول کنیم که موقعیت جلسات آموزشی به روش بحث گروهی توانسته است عده‌ای از دانش‌آموزان هم سال را در شرایطی قرار دهد که اولاً ناگزیر از تداوم ارتباط و تعامل با یکدیگر باشند، و ثانیاً در معرض نگرش‌های متفاوت و احیاناً ناهم‌ساز با دیگر همسالان قرار گیرند، و بدین ترتیب زمینه مقایسه اجتماعی، تأثیر و تأثر متقابل و همانندسازی با دیگر همسالان را تسهیل نماید، با دیدگاه بوهنر<sup>۲</sup> و وانک<sup>۳</sup> (۲۰۰۲، ترجمه صادقی بنیس، ۱۳۸۲)، از این نظر هم‌سویی دارد که آنان معتقدند لازمه حفظ و تداوم روابط اجتماعی با همسالان داشتن نگرش‌هایی است که از نظر آنان مورد تأیید است، و دیگر این که قرار گرفتن نوجوان در معرض موقعیت‌ها یا افرادی که نگرش یا باور خاصی را نشان می‌دهند، باعث برتری آن نگرش یا باور در ذهن وی می‌شود؛ و با دیدگاه بارون<sup>۴</sup> و باین<sup>۵</sup> (۱۹۹۷)، فلمینگ<sup>۶</sup> و باری<sup>۷</sup> (۱۹۹۲)، و کرچ<sup>۸</sup> و کراچفیلد<sup>۹</sup>، به نقل کریمی، (۱۳۷۹)، از این نظر می‌تواند هم‌سو باشد که آنان معتقدند نگرش نوجوان متأثر از رفتار و نگرش الگوی نقش همسال و دوستان نوجوان است، و همانند سازی با اعتقادات و ارزش‌های همسالان عاملی مؤثر در تکوین نگرش محسوب می‌شود.

1- Havland  
3- Wanke  
5- Byrne  
7- Barry  
9- Cruthfield

2- Bohner  
4- Boron  
6- Fleming  
8- Kretch

استدلال‌های دیگر بر تأثیر مداخله آموزشی روی نگرش دانش‌آموزان نسبت به مواد مخدر این است که دانش‌آموزان بعد از قرار گرفتن در معرض مداخله آموزشی دریافته‌اند که استفاده از مواد مخدر نمی‌تواند به منزله راهی مطمئن و پایدار برای مقابله با مشکلات، احساسات منفی و موقعیت‌های فشارزای زندگی باشد؛ یعنی آموزش‌ها توانسته است دانش‌آموزان را در تحلیل منطقی‌تر از نقش مواد در تأمین بعضی از نیازها و جبران کمبودهایشان یاری نماید.

بر اساس نظر فورمن<sup>۱</sup> و لینی<sup>۲</sup> (۱۹۹۱)، که سوء مصرف مواد را با اضطراب بالا، توانایی ضعیف در ابراز وجود و نیاز شدید به تأیید اجتماعی در ارتباط دانسته‌اند؛ موقعیت مداخله آموزشی توانسته است شرایطی ایجاد کند تا دانش‌آموزان در بعضی از باورهای خود درباره تأثیر مثبت مواد مخدر در کاهش اضطراب، افزایش توانایی ابراز وجود و در نتیجه دستیابی به سطح بالاتری از مقبولیت اجتماعی تجدیدنظر نمایند.

در نظریه شناختی - عاطفی، نظر بر این بود که سوء مصرف مواد تحت تأثیر باورها و نیز انتظارات و برداشت‌های نوجوان درباره مواد است؛ و ارتباط با همسالان به واسطه تأثیری که بر شناخت‌ها، ارزیابی‌ها و تصمیمات نوجوان بر جای می‌گذارد، مورد توجه است (آجزن و فیش بین، ۱۹۸۰). به عبارت دیگر، تصمیم نوجوان برای مصرف مواد، هم تابع انتظارات شناختی وی از مصرف مواد و هم تابع ارزش عاطفی‌ای است که نوجوان برای پیامدهای رفتار خود قائل است. بخشی از این انتظارات و احساساتی که پیرامون مواد مخدر شکل می‌گیرد، تحت تأثیر ارتباط با همسالان است که مداخله آموزشی امکان این ارتباط را در شرایط خاصی فراهم نموده است. به بیانی دیگر، مداخله آموزشی شرایطی ایجاد کرده است تا دانش‌آموزان در معرض انتظارات و احساسات متفاوت در گروه قرار گیرند و در فرایند تقابل و چالش با سایر اعضای گروه، موضع‌گیری شناختی - هیجانی آنها در معرض تغییر قرار گیرد.

یافته‌های پژوهش از جهت تأثیرگذاری گروه دوستان بر باورهای نوجوانان با نظریه یادگیری اجتماعی- شناختی نیز هم خوانی دارد. چنان که بندورا (۱۹۸۶)، معتقد بود که نوجوانان رفتارها و باورهای خود در مورد سوء مصرف مواد را از الگوهای نقش به ویژه والدین و دوستان کسب می‌کنند. بخشی از تأثیر الگوهای نقش به واسطه نگرش‌ها و اظهارات مثبت و خوشایندی است که در مورد مصرف مواد دارند. موقعیت مداخله آموزشی به دلیل اینکه شرایطی ایجاد کرده است تا نگرش‌ها و اظهارات منفی نسبت به مصرف مواد مخدر بیش از اظهارات مثبت مورد تبادل قرار گیرد، توانسته است بر منفی‌سازی نگرش و باورهای مربوط به مواد تأثیر بگذارد. در همین راستا، نتایج پژوهش به گونه‌ای مؤید دیدگاه جسر و همکارانش (۱۹۹۱)، نیز هست؛ آنان بر این باورند که ارتباط و پیوند با دوستان و اظهارات له یا علیه آنها در باره مصرف مواد نقش مهمی در تقویت یا تضعیف نگرش و باورهای مربوط به مواد دارد؛ و از جهتی مؤید دیدگاه اوتینگ و بوویس (۱۹۸۷)، که معتقد بودند تنها متغیر منفرد و برجسته در سوء مصرف مواد در دوره نوجوانی تأثیر دوستان و همسالانی است که نوجوان با آنها روابط نزدیک و صمیمی دارد. از نظر آنها، تأثیر خانواده، مذهب و سایر عوامل از طریق تأثیری که بر کم و کیف رابطه نوجوان با دوستان بر جای می‌گذارد، مورد توجه قرار می‌گیرد.

نوجوانان معمولاً به دسته‌ها یا زیرگروه‌های خاصی در مدرسه پیوند می‌یابند و به طور طبیعی برای باورها و ارزش‌های حاکم بر آن زیر گروه‌ها ارجحیت و برتری ویژه‌ای قائل‌اند؛ و چه بسا آن را تنها شکل ممکن و مطلوب برای خود ارزیابی می‌کنند. قرار گرفتن در گروه‌های بحث کلاسی به عنوان یک تجربه گروهی متفاوت فرصتی ایجاد کرده است تا ارزیابی دانش‌آموزان در این زمینه نیز مورد تردید و تجدید نظر قرار گیرد. بخشی از تأثیر برنامه آموزش مهارت‌های مقابله‌ای بر تغییر نگرش همسو با دیدگاه ایوانز<sup>۱</sup> و همکارانش (به نقل از فورمن ولینی، ۱۹۹۱) می‌باشد. آنها در مطالعات خود

I-Evans

نشان دادند که آموزش مهارت‌های مقابله‌ای و مجهز کردن نوجوانان به مهارت‌های ضروری و مورد نیاز به منظور شناسایی و مقاومت در برابر فشارهای اجتماعی و نیز آگاه‌سازی نوجوانان از فنون تبلیغاتی و متقاعد سازی رسانه‌ها و آماده کردن آنها برای مقابله با فشارهای مستقیم و غیرمستقیم همسالان بر همبسته‌های روانشناختی مصرف مواد از قبیل باورها و نگرش‌های آنان نیز تأثیر می‌گذارد.

تأثیر جلسات آموزش مهارت‌های مقابله‌ای بر مبنای رویکرد یکپارچه نفوذ اجتماعی افزایش شایستگی می‌تواند این گونه تعبیر شود که مداخله آموزشی اولاً با دخل و تصرف در نظام شناختی - عاطفی دانش‌آموزان، ارزیابی درونی آنها را در قبال نیاز به مصرف مواد و یا توان مقابله در مقابل عوامل و پیام‌های ترغیب‌کننده تغییر داده است، و ثانیاً شناخت‌ها و نگرش‌های آنان را به طور مستقیم در معرض چالش و تغییر قرار داده است.

تعامل و همانندسازی که بر طبق نظر گرین بلات<sup>۱</sup> (به نقل از اورلیچ، ۱۹۹۸، ترجمه مهجور و غیائی، ۱۳۷۹)، از خصیصه‌های مهم گروه همسالان است، به اضافه شرایط بحث گروهی که در تسهیل فرایند تقلید و همانندسازی نقش مهمی دارد (بندورا، ۱۹۹۴)، در طول مداخله آموزشی باعث شد تا دانش‌آموزان در جریان مشارکت فعال فرصت یابند از طریق کسب دانش و شناخت و رفتارهای تازه، در نگرش و عملکرد خود در قبال مصرف مواد مخدر تغییر ایجاد کنند.

و بالاخره چنان که لوین<sup>۲</sup> (به نقل گیج<sup>۳</sup> و برلاینر<sup>۴</sup>، ۱۹۹۲، ترجمه لطف‌آبادی و دیگران، ۱۳۷۴)، نیز تأکید کرده است، تدریس به شیوه بحث گروهی برای تغییر نگرش و رفتار دانش‌آموزان از روش‌های معمول سخنرانی بهتر است؛ زیرا جلسات بحث تا حد زیادی می‌تواند بین نگرش‌ها و باورهای افراد گروه در باره یک موضوع تقابل و حتی تعارض ایجاد کند. نتیجه این وضعیت جرح و تعدیل نگرش‌ها و باورهای قبلی و حتی

1- Greenblate  
3- Gage

2- Lewin  
4- Berliner

ایجاد و تقویت باورها و نگرش‌های متفاوت با گذشته است. بر این اساس، می‌توان گفت که جلسات آموزش مهارت‌های مقابله‌ای به روش بحث گروهی فرصتی ایجاد کرده است تا دانش‌آموزان در معرض رفتار و نگرش‌های متفاوت و ناهم‌ساز با خود قرار گیرند و امکان مقایسه و تجدید نظر در رفتار و نگرش‌های خود را بیابند.

بدین ترتیب، نتایج حاصل از انجام پژوهش حاضر که علاوه بر هماهنگی با چارچوب‌های نظری موجود، از همراهی و حمایت بعضی از پژوهش‌های تجربی برخوردار است، هم مؤید جهت‌گیری نظام‌های آموزش و پرورش رسمی به سمت توسعه مداخلات آموزشی پیشگیرانه از سوء مصرف مواد مخدر در بین کودکان و نوجوانان دانش‌آموز است؛ و هم می‌تواند به منزله یک پشتوانه پژوهشی در جهت تأکید بر ضرورت و اثربخشی مداخلات آموزشی محسوب شود. خصوصاً آن دسته از مداخلات آموزشی که هدف آنها آموزش مهارت‌های مقابله‌ای یا مهارت‌های زندگی برای مصون‌سازی روانی دانش‌آموزان در مقابل سوء مصرف مواد مخدر و سایر مواد غیرمجاز است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## References

## منابع

- آلن. مری جی: ین، ون دی ام. (۱۳۷۴). مقدمه‌ای بر نظریه‌های اندازه‌گیری (روانشنجی). (ترجمه علی دلاور). تهران: سمت.
- اخلاقی بوزانی، سیدابوالقاسم. (۱۳۷۵). تأثیر آموزش و مشاوره گروهی بر تغییر نگرش معنادان نسبت به مواد مخدر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- اوپنهایم، ا.ان. (۱۳۷۵). طرح پرسشنامه و سنجش نگرش‌ها. (ترجمه مرضیه کریم‌نیا). مشهد: آستان قدس رضوی.
- اورلیج، دونالدسی. (۱۳۷۹). راهبردهای تدریس: کلیات، روش‌ها و فنون تدریس. (ترجمه سیامک رضا مهجور و پروین غیائی). شیراز: نشر ساسان.
- باقری، منصور. (۱۳۸۱). نقش آموزش مهارت‌های زندگی بر دانش و نگرش به مواد مخدر و عزت نفس دانش‌آموزان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده. دانشگاه تهران، دانشکده روانشناسی.
- بوهنر، جرد؛ وانک، میکائیل. (۱۳۸۲). نگرش و تغییر آن. (ترجمه منیژه صادقی بنیس). تهران: ساوالان.
- طارمیان، فرهاد. (۱۳۸۰). بررسی اثر بخشی برنامه آموزش مهارت‌های زندگی به منظور پیشگیری از سوء مصرف. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مواد مخدر در دانش‌آموزان سال اول راهنمایی، پژوهش چاپ نشده. معاونت پژوهشی - دفتر پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر. مطالعه جامع علوم انسانی.
- طارمیان، فرهاد. (۱۳۷۸). سوء مصرف مواد مخدر در نوجوانان. تهران: تربیت.
- قادری دهکردی، صفرا. (۱۳۷۹). بررسی تأثیر یک طرح آموزشی پیشگیری از اعتیاد بر روی نگرش و آگاهی نوجوانان مقطع راهنمایی شهر کرد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

- قربانی، بیژن. (۱۳۸۰). تأثیر روش‌های تغییر نگرش و ابراز وجود بر گرایش به عدم مصرف مواد در معتادان داوطلب استان اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

- کاویان، مرجان؛ لواسانی، فهیمه؛ رحیمی موقر، آفرین؛ حسینی، مهدی؛ گل‌دیان، ژاکلین؛ طهرانی، عاتکه؛ بابایی، نعمت...؛ خستو، گل‌آرا. (۱۳۸۳). راهنمای پیشگیری از سوء مصرف مواد برای دست‌اندرکاران رسانه‌های گروهی. تهران: سازمان بهزیستی کشور - معاونت امور فرهنگی و پیشگیری.

- کریمی، یوسف. (۱۳۷۹). نگرش و تغییر نگرش. تهران: ویرایش.

- کوهن، آرتور. (۱۳۷۷). تغییر نگرش و تأثیر اجتماعی. (ترجمه علیرضا کلدی) تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۹۴).

- گیج، بیت‌دل؛ برلایتر، سی. (۱۳۷۴). روان‌شناسی تربیتی. (ترجمه غلامرضا خوی نژاد، حسین لطف‌آبادی، جواد طهوریان، محمدتقی منشی طوسی و محمدحسین نظری نژاد). مشهد: نشر یاز (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۹۲).

- منشی، غلامرضا؛ سموعی، راحله؛ والیانی، محبوبه. (۱۳۸۱). نقش آموزش مهارت‌های زندگی بر پیشگیری از اعتیاد جوانان شهر اصفهان. مجموعه مقالات اولین همایش تبیین علمی بزه دیدگان و راهکارهای پیشگیری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان. آبان ۱۳۸۲.

- یونسی، جلال. (۱۳۸۰). تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به اعتیاد به مواد مخدر، پژوهش چاپ نشده. مرکز تحقیقات علوم پزشکی ایران.

- Ajzen, (1985). From Decisions to Actions: A Theory of Planned Behavior. In J. Kuhl & J. Beckmann (Eds.), *Action - Control: From Cognition to Behavior* (pp. 11-39). New York: Springer.

- Ajzen, I., & Fishbein, M. (1980). *Understanding Attitude and Predicting Social Behavior*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.

- Bandura, A. (1986). *Social Foundations of Thought and Action: A Social Cognitive Theory*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.

- Boron, R. A., & Byrne, D. (1997). *Social Psychology*. Boston: Allyn & Bacon.

- Botvin, G. J., Griffin, K.W., Diaz, T., & Ifill - Williams, M. (2001). Drug

abuse Prevention Among Minority Adolescents: Posttest and One - Year Follow - Up of a School - Based Prevention Intervention . *Prevention Science*, 2(1), 1-13.

- Botvin, G. J., (2001). Preventing Adolescent Drug Abuse Through Life Skills Training: Theory, Evidence of Effectiveness, and Implementation Issues. *Institute for Prevention Research*, Cornell University Dical College.

- Botvin, G. J., Baker, E., Dusenbur, L., Tortu, S., and Botvin, E. M. (1990 ). Preventing Adolescent Drug Abuse Through a Multimodal Cognitive - Behavioral Approach: Results of a Three - Year Study. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 58, 43

- Botvin, G.J., Dusenbury, L., Baker, E., James - Ortiz, S., Botvin, E. m. and Kerner, I. ( 1992 ). Smoking Prevention Among Urban Minority Youth: Assessing Effects on Outcome and Mediating Variable. *Health Psychology*, 11(5), 290 - 299.

- Botvin, G. J., Griffin, K. W., Paul, E., & Macaulay, A. P. (2003). Preventing Tobacco and Alcohol use Among Elementary School Students Through Life Skills Training. *Journal of Child & Adolescent Substance Abuse*.

- Botvin, G. J., Renick, N. L., and Baker, E. (1983). The Effects of Scheduling Format and Booster Sessions on a Broad - Spectrum Psychosocial Smoking Prevention Program. *Journal of Behavioral Medicine*. 6, 359-379.

- Eisen, M., Zellman, G. L., Masset, H. A., & Murray, D. M. (1999). Evaluating the Lions - Quest "Skills for Adolescence" Drug Education Program: First-Year Behavior Outcomes. *Addictive Behaviors*, 27, 619-632.

- Fleming, M. F., & Barry, K. L. (1992). *Addictive Disorders*, Mosby Yearbook Inc. U.S.A.

- Forman, S., & Linne, J. (1991). *School Based Social and Personal Coping Skills Training*. In Donohew, L., & et al Editors. Persuasive Communication and Drug Abuse Prevention. Lawrence Erlbaum Association. U.S.A.

- Hawkins, D., Catalano, F., & Miller, J. (1992 ). Risk and Protective Factor For Alcohol and Other Drug Problems in Adolescence and Early Adulthood. *Psychological Bulletin* . Vol, 112, No. 1.

- Hawkins, J. D., & Weiss. (1985). The Social Development Model: An Integrated Approach to Delinquency Prevention. *Journal of Primary Prevention*. 6, 73-97.



- Jessor, R., Donovan, J. E., & Costa, F. M. (1991). *Beyond Adolescence: Problem Behavior and Young Adult Development*. Cambridge, England: Cambridge University Press
- Kochis, D. S. (1995). The Effectiveness of Project DARE: Does it work? *Journal of Alcohol and Drug Education*, 40, 40-47.
- Oetting, E. R., & Beauvais, F. (1987). Peer Cluster Theory, Socialization, Characteristics, and Adolescent Drug Use: A Path Analysis. *Journal of Counseling Psychology*, 34, 205-213.
- Shedler, J., & Block, J. (1990). Adolescent Drug Use and Psychological Health. *American Psychologist*, 45, 612-630.
- Simons, R. L., Conger, R. D., & Whitbeck, L. B. (1988). A Multistage Social Learning Model of the Influences of Family and Peers Upon Adolescent Substance Abuse. *Journal of Drug Issues*, 18, 293-315

